

تاریخ وصول: ۸۷/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۱۱

بررسی احکام ترمیم بکارت و تکلیف پزشک معالج

عبدالغبار زرگوش نسب *

چکیده:

در این مقاله مصلحت و مفسده‌های ترمیم بکارت را با توجه به اسباب از بین رفتن بکارت بررسی شده و احکام آنها را به دست آورده که عبارتند از: جایز بودن ترمیم بکارت در صورتی که سبب ازاله پرده بکارت تجاوز به عنف و اکراه باشد و یا در اثر به زمین خوردن دختر و یا در اثر تصادف و پرش و در صورتی که سبب از بین رفتن پرده بکارت وطئ بر اساس ازدواج باشد ترمیم حرام است، خواه بیوه و مطلقه باشد یا نباشد و در صورتی که سبب ازاله بکارت مرتکب شدن به زنا با رضایت باشد و مشهور به زنا باشد ترمیم نیز حرام است و اگر مشهور به زنا نباشد و توبه نکرده باشد ترمیم جایز نیست، اما اگر توبه کرده باشد، دو احتمال در آن وجود دارد و با توجه به اینکه مفسده فریب دادن شوهر در هر حال باقی است، لذا احتمال جایز نبودن ترمیم قویتر است. تکلیف پزشک بر اساس احکام صورتهای بیان شده است و باید درباره حاملگی دختر تحقیق و آزمایش کند، اگر آزمایش مثبت باشد ترمیم جایز نمی باشد.

کلیدواژه‌ها: ترمیم بکارت، پزشک، احکام، مصلحت‌ها، مفسده‌ها.

* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و عضو هیئت علمی واحد ایلام

Abdolgabar-mhmood@yahoo.com

مقدمه:

باتوجه به اینکه مسئله ترمیم پرده بکارت در عصر معصومین و بعد از آن مورد ابتلا نبوده، لذا در متون اسلامی مطرح نشده و فقها نیز متعرض آن نشده‌اند، اکنون که به صورت یک مشکل مبتلی به جامعه درآمده است که گاهی دختران بی‌گناه قربانی آن می‌شوند و متهم به مرتکب شدن زنا می‌شوند و در بسیاری از مناطق کشته می‌شوند و یا در اثر افترا و تهمت و فشار جامعه خودکشی می‌کنند یا از وحشت این که مبدا هنگام ازدواج مورد تهمت قرار بگیرند از ازدواج اعراض می‌نمایند. و گاهی منجر به درگیری میان خانواده عروس و داماد می‌شود و در بعضی از کشورهای عربی دختر بی‌گناه با ادعای «شرف» کشته می‌شود و قانون آن کشورها هم از قائل حمایت می‌کند، هرچند از نظر شرع مقدس نداشتن پرده بکارت دلیل ارتکاب زنا نمی‌باشد، ولی این گونه سنتها و عادات و رسوم در جامعه حاکم است. لذا شناخت احکام ترمیم بکارت اهمیت بسزایی دارد و از آنجا که در این راستا متون مستندی که به طور صریح حکم آن را بیان کند در دست نیست، بنابراین لازم است با توجه به مصلحتها و مفسده‌هایی که بر آن مترتب است و مبادئ و اصول شریعت در به دست آوردن احکام ترمیم مدنظر قرار داد. تکلیف پزشک معالج براساس همان احکامی است که به دست می‌آید در صورتی که از او انجام عمل ترمیم خواسته شود. لذا ابتدا به اسباب از بین رفتن پرده بکارت اشاره می‌شود، سپس مفسد ترمیم بکارت و بررسی آنها و بعد مصالح ترمیم و مقایسه‌ای میان مفسد و مصالح و در پایان هم نتیجه‌گیری می‌شود.

اسباب از بین رفتن پرده بکارت

اسباب و علت‌های ازاله پرده بکارت و از بین رفتن آن عبارتند از:

- ۱- افتادن از جای بلند، تصادف و برخورد با چیزی، پرش و مانند اینها که معصیت نمی‌باشند.
- ۲- تجاوز به عنف واکراه.
- ۳- مرتکب شدن زنا با رضایت.
- ۴- وطئ براساس ازدواج.



مفاسد ترمیم بکارت

عبارتند از: خلط انساب، کشف عورت و نگاه به آن، غش و فریب‌دادن، اشاعه فاحشه‌گری. بدون تردید هر یک از این مفسده‌ها فی‌نفسها با قطع نظر از مصلحت‌های ترمیم اقتضای جایز نبودن ترمیم دارند. باید درشناخت و به دست آوردن احکام ترمیم، مصلحت‌ها و مفسده‌ها و ضرورت‌های آن را باهم مد نظر قرارداد و با هم سنجید. نخست مفسده‌ها و سپس مصلحت‌ها ارائه شوند و بعد مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

مفسده غش و فریب دادن شوهر

در ترمیم بکارت غش و فریب دادن مردی رخ می‌دهد که در آینده با آن دختر ازدواج می‌کند؛ زیرا اثر از بین رفتن پرده بکارت را پنهان و مخفی کرده است، درحالی که اگر شوهر متوجه می‌شد با او زندگی را ادامه نمی‌داد. به نظر فقها اگر شوهر در عقد شرط بکارت کند و بعد، هنگام ازدواج معلوم شود که باکره نبوده می‌تواند عقد را فسخ و بهم بزند، امام خمینی در تحریرالوسیله فرموده‌اند: «اگر شرط ملتزم شدن به وجود صفتی در یکی از دو همسر شود مانند شرط باکره بودن همسر... و بعد خلاف آن آشکار گردد، موجب خیار فسخ می‌شود» (الموسوی‌الخمینی، بی‌تا، ج ۲، ۳۰۲) و آقای سیستانی فرموده: «اگر شوهر در عقد مثلاً شرط کند که زن باکره باشد و بعد معلوم شود که باکره نبوده است می‌تواند عقد را بهم بزند» (سیستانی، ۱۴۲۰، ۲۴۹) با ترمیم بکارت، شوهر فریب خورده و حشش ضایع شده، زیرا اگر ترمیم نمی‌شد شوهر می‌فهمید و حق خود را که شرط کرده بود اعمال و عقد را فسخ می‌کرد.

بعضی از علمای اهل تسنن گفته‌اند نباید مرد پاکدامن با زن زنا کار ازدواج کند و اگر ازدواج کند باید از او جدا شود و به این آیه استناد کرده‌اند: «الزانی لاینکح الا زانیة أومشركة والزانیة لاینکحها الا زان أو مشرک و حرم ذلک علی المومنین» (النور، ۳) یعنی مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است. ابن قیم جوزیه گفته: «خداوند متعال درسوره نور به تحریم ازدواج با زناکار تصریح نموده و خبر داده به اینکه هرکس با زن زناکار ازدواج کند یا زناکار است یا



مشرك و چنین فردی یا التزام به حکم و دستور خدا و اعتقاد به وجوب آن دارد یا ندارد، اگر نه التزام به حکم خدا داشته باشد و نه اعتقاد به وجوبش مشرک است و اگر اعتقاد به وجوب حکم داشته باشد و مخالفت کند زناکار است. سپس خداوند به آن تصریح کرده و فرموده آن را بر مؤمنان حرام شده. «ابن قیم جوزیه، بی تا، ج ۴، ۱۲).

قرطبی گفته: «بر اساس آیه (۳ سوره نور) اگر مرد زناکار با زن پاکدامن ازدواج کند و مرد پاکدامن با زن زناکار ازدواج کند، باید آنها را از هم جدا ساخت.» (قرطبی، ۱۹۶۵، ج ۱۲، ۱۶۹) زمخشری گفته: «ازدواج با زن زناکار و رغبت در او و وارد شدن در ردیف فاسدان که به زنا موصوفند بر مرد مؤمن ستوده شده نزد خداوند متعال ممنوع و حرام است.» (زمخشری، بی تا، ج ۳، ۲۱۱) و «عمروبن عبید درباره (لاینکح) گفته (لا) بنا بر مجزوم شدن فعل (ینکح) لای نهی است و بنا بر مرفوع بودن آن نیز به معنی نهی است» (همان، ۲۱۳).

پس ترمیم بکارت باعث فریب شوهر پاکدامن می شود تا اینکه با زن زنا کار ادامه زندگی دهد و این فریبکاری ای است که بر اساس آنچه ذکر شده جایز نیست.

نقد و بررسی مفسده غش و فریب دادن شوهر

غش و فریب دادن در جایی است که پنهان کاری شود و باعث ضایع شدن حق دیگری شود و یا اینکه شخصی صفت کمالی را در چیزی شرط کند و بعد معلوم شود فاقد آن صفت بوده است. به فرض اینکه پرده بکارت یکی از صفات کمال است، آیا در صورت ترمیم آن نیز می توان گفت فاقد آن صفت است؟ به نظر می رسد هیچ تفاوتی ندارد و می توان گفت دارای آن صفت است. اما از لحاظ اینکه شوهر آینده آن دختر که از ترمیم بی اطلاع است یک نوع غش و فریبکاری نیست؟ در پاسخ باید گفت: نسبت به اسباب ازاله بکارت تفاوت دارد. نسبت به سبب اول و دوم فریبکاری وجود ندارد؛ زیرا چنین دختری دارای نقص و عیب معنوی (اخلاقی) نیست به دلیل اینکه بی گناه است و دارای نقص و عیب بدنی نیست زیرا با ترمیم بر طرف گردیده و اطلاع ندادن به شوهر به جهت پرهیز کردن از ایجاد بدگمانی احتمالی مطلوب می باشد. و نسبت به سبب چهارم غش و فریب دادن صدق نمی کند، زیرا پنهان کاری وجود ندارد؛ به علت اینکه فردی که می خواهد با





چنین زنی ازدواج کند مانند سایر مردم از ازدواج قبلی او اطلاع دارد و عدم جواز ترمیم در این مورد به خاطر مفسده کشف عورت است که لازمه آن است درحالی که ضرورتی برای ترمیم وجود نداشته است.

اما نسبت به سبب سوم (ارتکاب زنا با رضایت و اختیار)، در صورتی که مشهور به زنا باشد، در ترمیم هیچ مصلحت و ضرورتی نیست؛ زیرا همه می‌دانند و جای پنهان‌کاری نیست و بیهوده وبی‌فایده می‌باشد، ولی به جهت مفاسدی دیگر از جمله مفسده کشف عورت حرام است. اما در صورتی که مشهور به زنا نباشد، غش و فریب‌کاری در موردش صدق می‌کند، زیرا چنین دختری حداقل نقص و عیب اخلاقی دارد و این تداعی دارد که شوهر از آن اطلاع پیدا کند گرچه دختر توبه کرده باشد، اگر با قطع نظر از مصلحت‌های ترمیم تنها این مفسده با ضمیمه مفسده کشف عورت مد نظر داشته باشیم، می‌توان گفت ترمیم در این صورت نیز جایز نیست خواه توبه کرده باشد یا توبه نکرده باشد، ولی باید با مصلحت‌های ترمیم سنجید که درجای خود بررسی می‌شود.

اما استدلال به آیه «الزانی لاینکح إلی زانیة أومشركة والزانیة لاینکحها إلی زان أو مشرک و حرم ذلک علی المؤمنین» (نور، ۳) مبنی بر اینکه دلالت دارد بر تحریم ازدواج با زناکار و در صورتی که ازدواج انجام بگیرد شوهر پاکدامن که در اولین مقاربتی متوجه می‌شود باید از او جدا شود ولی اگر بکارت ترمیم شده باشد شوهر متوجه نمی‌شود و حقیقت ضایع می‌گردد.

(لا) در آیه خواه لای نهی بدانیم یا نفی برتحریم ازدواج با زناکار دلالت می‌کند، بخصوص با توجه به ذیل آیه که فرموده (و حرم ذلک علی المؤمنین). در جواب به استدلال به آیه گفته می‌شود:

اولاً: آیه تنها سبب سوم از اسباب ازاله بکارت که زنا ارتکاب شده در بر می‌گیرد.

ثانیاً: فقها ازدواج با زناکار را مکروه دانسته‌اند نه حرام، مگر اینکه مرد با زنی ازدواج کند که قبلاً با او زنا کرده باشد که در این صورت بعضی فقها ازدواج با چنین زنی را در صورتی که توبه نکند حرام دانسته‌اند، در این صورت آخر ترمیم بی‌فایده و بیهوده است، زیرا همان فرد بکارتش را از بین برده و از آن اطلاع دارد.

ثالثاً: مفسران وجوه متعددی پیرامون آیه ذکر نموده‌اند:

الف- این آیه با آیه «وانکحوا الایامی منکم...» (نور، ۳۲) نسخ شده است. (زمخشری، بی‌تا، ج ۳، ۲۱۳).

ب- منظور از نکاح در آیه وطی و مقاربت است (همان) یعنی کسی در فعل زناکار شریک و راضی نمی‌شود جز زن زناکار یا مشرک.

ج- زناکاری که حد زنا خورده جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و همچنین زن زناکار (شوکانی، بی‌تا، ج ۶، ۲۸۵). پس این وجه تنها شامل زناکار مشهور می‌شود.

د- آیه نسخ نشده و نزد کسانی که قایل به منسوخ نشدن آیه هستند این است که هرکس مرتکب زنا شود عقد نکاح میان او و زنش باطل می‌شود و اگر زن زنا کند عقد ازدواج میان او و شوهرش باطل می‌شود، بعضی از آنها گفته‌اند: عقد ازدواج، با زناکاری فسخ نمی‌شود، بلکه اگر زن زنا کند به شوهر امر می‌شود طلاقش دهد و اگر طلاق ندهد گناهکار است و ازدواج با زن زناکار و مرد زناکار جایز نیست مادامی که توبه نکنند و اگر توبه کنند ازدواج با آنها جایز است. (قرطبی، ۱۹۶۵م، ج ۲، ۱۷۱). قسمت اول این عبارت مربوط به زناکاری بعد از ازدواج است که از بحث جواز و عدم جواز ترمیم بکارت خارج است، و قسمت دوم آن مربوط به زن زناکاری است که توبه نکرده باشد و قول به عدم جواز ترمیم در مورد چنین زنی قوی است.

ه- آیه در مورد مرثدین مرثد نازل شده هنگامی که اسرا را از مکه می‌برد یک زن زناکار به نام (عناق) میان آنها دید که قبلاً با او دوست بود از پیامبر (ص) پرسید که می‌شود با او ازدواج کند آیه نازل شد. (شوکانی، بی‌تا، ج ۶، ۲۸۵) بنابراین، آیه ازدواج با زن زناکار کافر جایز نمی‌داند زیرا عناق کافر بوده است.

و- در مدینه زنان زناکار مشرک که وضع مالیشان خوب بود، مهاجران فقیر در نکاح با آنها رغبت داشتند و از پیامبر (ص) اجازه خواستند، آیه نازل شد. (زمخشری، بی‌تا، ج ۳، ۲۱۱) بنابراین آیه ازدواج با زناکاران مشرک را تحریم کرده است.

بنابر تفسیرها و وجوه متعدد آیه و مدنظر قراردادن آرای فقها که قایل به کراهت ازدواج با زن زناکار شده‌اند، اگر بگوییم آیه نسخ نشده است، آیه بر کراهت ازدواج با زن زناکار دلالت دارد و یا بنا بر نظر بعضی در صورتی که زن زناکار توبه نکرده باشد- دلالت بر تحریم ازدواج فردی دارد که قبلاً با زنی زنا کرده و می‌خواهد با او ازدواج کند. این با نظر فقهای شیعه و اهل تسنن سازگار است، در تحریر الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة آمده: «زن زناکار نه برزانی و نه بر غیر

زانی حرام نمی‌شود؛ ولی ازدواج با او بنا بر قول صحیح‌تر مطلقاً مکروه است؛ برخلاف عده‌ای از فقها که ازدواج با او را تا زمانی که توبه نکرده است بر زانی حرام می‌دانند. دلیل جواز ازدواج با چنین زنی اصل عدم حرمت است و صحیحه حلبی از امام صادق علیه السلام نیز بر عدم حرمت دلالت دارد که چنین آمده: «ایما رجل فجر بامرأة ثم بدا له أن يتزوجها حلالاً، قال: أوله سفاح وآخره نکاح، فمثله کمثل النخلة أصاب الرجل من ثمرها حراماً، ثم اشتراها، فکانت له حلالاً؛ حضرت در پاسخ به این سؤال که مردی که با زنی زنا کند و سپس او را به نکاح خود در آورد، چه حکمی دارد فرمود: ابتدای کارش زنا و فرجام آن نکاح است و مثل او مانند نخلی است که مردی به حرام از ثمره آن می‌چیند و سپس آن را خریداری می‌کند و بدین طریق بر او حلال می‌شود. البته ازدواج با زن زناکار مکروه است، زیرا در روایاتی ازدواج با او مطلقاً مورد نهی واقع شده است که در مقام جمع میان اخبار، حمل بر کراهت می‌شوند.» (جبعی عاملی، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۲۰۱) و عایشه گفته «اگر مردی با زنی زنا کند به دلیل این آیه نمی‌تواند با او ازدواج کند و اگر ازدواج کند زناکار به حساب می‌آید.» (زمخشری، ج ۳، ۲۱۱ و ۲۱۲)، و از پیامبر (ص) درباره آن - ازدواج با زن زناکار - سوال شده حضرت فرموده‌اند: «اولش زنا است و آخرش نکاح، و حرام حلال را حرام نمی‌کند.» (همان، ۲۱۲) بدیهی است در ازدواج فردی که قبلاً با زنی زنا کرده و بعد از آن بخواهد با او ازدواج کند فریبکاری و پنهانکاری نیست. و بنا بر بعضی از وجوه تفسیر آیه دلالت بر تحریم ازدواج با زن زناکار کافر و مشرک دارد، این نیز مورد اتفاق فقها است که خارج از این بحث است، و بنا بر یکی از وجوه تفسیر آیه ازدواج با زن زناکار مشهور به زنا که حد زنا خورده است حرام می‌داند، در این مورد فریبکاری و پنهانکاری نیست، زیرا مردم و از جمله خواستگار او از عمل شنیع او باخبرند. پس آیه بر تحریم ازدواج با زن زناکار دلالت ندارد - مگر اینکه همان فردی که قبلاً با او زنا کرده بخواهد با او ازدواج کند - بنابراین، استناد به آیه برای عدم جواز ترمیم صحیح نیست.

مفسده اشاعه فحشا

اگر امکانات ترمیم بکارت فراهم شود، باعث می‌شود که بسیاری از دختران که پایبند به



احکام شرع نیستند به زناکاری تشویق شوند؛ زیرا مانعی در راه نمی‌بینند، این موجب اشاعه و توسعه فحشا می‌شود و با تأکید شارع مقدس بر مبارزه با فحشا تناقض دارد و این مفسده‌ای است که اقتضای عدم جواز ترمیم دارد.

بررسی مفسده اشاعه فحشا؛ این مفسده تنها نسبت به سبب دوم از اسباب ازاله بکارت ممکن است. سبب دوم چنانچه قبلاً گفته شد دو صورت دارد، ترمیم در مورد صورتی که دختر مشهور به زنا باشد، فاقد مصلحت و غرض عقلائی است، در عین حال دارای مفاسدی است از جمله مفسده کشف عورت، لذا ترمیم در این صورت حرام است. اما نسبت به صورت دوم که دختر مشهور به زنا نمی‌باشد، دو حالت دارد:

الف- دختر توبه کند و اصلاح شود در این حالت مفسده اشاعه و توسعه فحشا منتفی است؛ زیرا اصلاح شده. بنابراین جواز ترمیم در موردش باعث اشاعه فحشا نمی‌شود.

ب- دختر توبه نکند، در این حالت ممکن است جواز ترمیم باعث تشویق به فحشا و اشاعه آن شود. بنابراین، احتمال این مفسده وجود دارد.

مفسده خلط انساب

در صورتی که بکارت دختری با نزدیکی و مقاربت با رضایت یا با عدم رضایت از بین برده شود و نطفه منعقد گردد و بعد از آن عمل ترمیم انجام بگیرد و ازدواج کند، کودکی که متولد می‌شود در ظاهر منسوب به شوهر آن دختر می‌شود و حقوق و تکالیفی مانند ارث و... بر آن مترتب می‌شود، درحالی‌که شوهر دختر پدر آن بچه نیست، این یک مفسده است و پایه‌ای برای مفاسدی دیگر قرار می‌گیرد و موجب عدم جایز بودن ترمیم بکارت می‌شود.

بررسی مفسده خلط انساب: این مفسده نسبت به سبب اول از اسباب ازاله بکارت صدق نمی‌کند؛ زیرا آمیزشی صورت نگرفته تا نطفه‌ای منعقد شود پس این مفسده نسبت به این مورد منتفی است. اما نسبت به سبب چهارم، اگر نطفه‌ای منعقد شده باشد مشروع بوده و ترمیم بکارت زنی که ازدواج کرده فاقد هرگونه مصلحت و غرض عقلائی است گرچه بیوه و مطلقه باشد و چنین



زنی عده نگه می‌دارد و کسی که با او ازدواج می‌کند از بیوه بودن او باخبر است، و در مدت عده حاملگی و عدم آن مشخص می‌شود، پس این مفسده نسبت به این مورد نیز منتفی است. اما نسبت به سبب دوم و سوم از اسباب از بین رفتن پرده بکارت صدق می‌کند و خلط انساب ممکن است، زیرا آمیزش صورت گرفته است، بنابر جایز بودن ترمیم احتمال این مفسده هست، ولی از جهت دیگری این مفسده دفع می‌شود به این صورت که پزشک معالج موظف است درباره حاملگی این صنف از زنان تحقیق و آزمایش کند و از عدم حاملگی اطمینان پیدا کند و اگر نتیجه آزمایش مثبت باشد ترمیم جایز نمی‌باشد و پزشک حق ندارد عمل ترمیم انجام دهد، پس با آزمایش حاملگی توسط پزشک این مفسده دفع می‌شود.

مفسده کشف عورت

بدون تردید لازمه ترمیم بکارت کشف عورت زن و نگاه کردن و لمس آن است که از نظر شرع مقدس جایز نمی‌باشد، گرچه پزشک معالج هم زن باشد. فقها شیعه و اهل تسنن اتفاق نظر دارند بر اینکه نگاه زن به عورت زن جایز نمی‌باشد. «نگاه کردن به عورت مسلمان بالغ حرام است» (سیستانی، ۱۴۲۰، ۱۳۸۵) این حکم مطلق است شامل زن و مرد می‌شود خواه از لحاظ جنسیت مخالف باشند یا موافق. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نگاه کردن غیر از شوهر حتی پزشک و بلکه پزشک زن به عورت زن حرام است، مگر هنگام اضطرار و برای درمان بیماری» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ۲۸۸).

بررسی مفسده کشف عورت و نگاه کردن به آن: این مفسده نسبت به سبب چهارم از اسباب از بین رفتن بکارت قابل دفع نیست؛ زیرا ترمیم بکارت این صنف از زنان بی‌پرده و دارای هیچگونه مصلحت و غرض عقلایی نیست و ضرورتی که مستلزم ترمیم شود وجود ندارد، درحالی‌که این مفسده لازمه ترمیم است، بنابراین موجب تحریم ترمیم یا حداقل عدم جایز بودن آن می‌شود. اما نسبت به سبب اول و دوم، با توجه باینکه چنین دخترانی بی‌گناهند و آبروی خود و خانواده آنها درخطر است و لطمه‌ی جبران ناپذیر بر آنها وارد می‌شود و چه بسا هنگام ازدواج و اطلاع یافتن از ازاله بکارت مورد افترا و تهمت قرار می‌گیرند و توسط شوهر و یا خانواده خود



کشته شوند، یا خودکشی کنند، همانطوری که، چنین جنایاتی در بعضی کشورهای عربی و استان‌های کشور رخ می‌دهد و گواهی پزشکی مبنی بر بی‌گناه آنها پذیرفته نمی‌شود، هر چند از نظر شرع مقدس نداشتن پرده بکارت دلیل بر زنا نمی‌باشد. بنابراین ترمیم بکارت این صنف از دختران ضرورت پیدا می‌کند و الضرورات تبیح المحظورات، فقهای شیعه و اهل تسنن در موارد ضرورت قایل به جواز کشف عورت و نگاه و لمس آن شده‌اند مانند موارد شهادت بر زنا ولادت و استهلال، عیوب پنهانی زنان و... در شرح اللعه الدمشقیه آمده: «اموری که با شهود مرد و شهود زن حتی به طور مستقل از مردان ثابت شود، ضابطه این قسم آن است که مورد از اموری باشد که غالباً آگاهی مردان نسبت به آن دشوار باشد مانند ولادت و استهلال که عبارت از زنده به دنیا آمدن فرزند است تا بتواند ارث ببرد... و عیوب پنهانی زنان مثل تکه استخوان و یا تکه گوشتی که در آلت تناسلی زن روییده» (جبعی عاملی، ۱۳۹۶، ج ۳، ۱۴۴). در کتاب فقه برای غرب نشینان مطابق با فتاوی آیت‌الله سیستانی آمده: «شایسته نیست دانشجوی پزشکی، به هنگام آموزش به آلت تناسلی کسی نگاه کند مگر زمانی که با نگاه او، ضرر و آسیبی بزرگ از مسلمانی هر چند در آینده، برطرف شود.» (حکیم، ۱۳۷۹، ۲۴۴). مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «کشف عورت دیگران و نگاه کردن به آن و وادار کردن صاحب عورت به کشف عورت در برابر دیگران جایز نیست، مگر آنکه ضرورتی مثل رعایت قانون و یا معالجه، آن را اقتضا کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ۲۸۷) و نیز می‌فرمایند: «هنگام ضرورت فرق بین حکم معاینه اعضای تناسلی و غیر آنها نیست و ملاک کلی احتیاج به تمرین و فراگیری علم پزشکی برای نجات جان انسان می‌باشد، و در این موارد باید به مقدار ضرورت اکتفا شود.» (همان، ۲۹۰) و در روایتی از حضرت علی (ع) آمده: «انه اتی رجل بامرأة بکرزعم انه زنت، فامر النساء فنظرن اليها فقلن هي عذراء، فقال علی (ع) ما كنت لإضرب من علیها خاتم من الله...» (الحرالعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸، ۳۹۴) مردی زنی را نزد حضرت علی علیه السلام آورد و ادعا کرد زنا کرده، حضرت به زنها دستور داد نگاهش کنند آنها نگاه کردند و گفتند باکره است، حضرت فرمود حد بر کسی که مهر خدا بر او است نمی‌زنم. این روایت بر جواز نگاه کردن به عورت زن هنگام ضرورت دلالت دارد. شیخ صدوق آن را در عیون الاخبار با سندهای متعددی روایت کرده است. (همان، ۳۹۵).

اما نسبت به سبب سوم از اسباب ازاله بکارت یعنی اینکه دختر مرتکب زنا شده باشد. دخترانی که مرتکب زنا شده‌اند گاهی عمل شنیع آنها در اثر تکرار و یا به علت اثبات آن در دادگاه افشا و مشهور به زنا شده‌اند و یا افشا نشده و پنهان مانده، در صورت اول ترمیم پرده بکارت چنین صنفی از دختران فاقد هرگونه غرض عقلائی و مصلحت است، زیرا مشهور به زنا هستند و مردم از حال آنها باخبرند و با ترمیم نه تنها آبروی آنها حفظ نمی‌شود، بلکه یک کار بیپهوده است، درحالیکه مستلزم مفسده کشف عورت است و این مفسده اقتضای تحریم ترمیم بکارت دارد.

اما صورت دوم یعنی اینکه دختر مشهور به زنا نباشد و مردم از معصیت او اطلاع پیدا نکنند، مفسده‌هایی مانند فریب دادن شوهر و کشف عورت در ترمیم این صنف از دختران وجود دارد و اگر مفسده کشف عورت به خاطر مصلحت حفظ آبرو حکم ضرورت پیدا کند، بازهم مفسده غش و فریبکاری باقی است؛ زیرا در چنین صنف از دختران نقص و عیب اخلاقی وجود دارد و این اقتضای عدم جواز ترمیم دارد، و آیا اگر توبه کند و اصلاح شود نیز چنین حکمی دارد؟ در جواب باید گفت لازم است با مصلحت‌هایی که در ترمیم است سنجید که آیا صلاحیت درء و دفع این مفسد دارند یا ندارند؟ پاسخ آن در بحث‌های موازنه و سنجیدن مصالح و مفسد بیان می‌شود.

مصلحت‌های ترمیم بکارت

مصلحت‌های ترمیم عبارتند از: حفظ آبرو و ستر، پیشگیری از انحلال خانواده و حفظ آن، پیشگیری از بدگمانی، تحقق برابری و عدالت میان زن و مرد، تأثیرات تربیتی.

مصلحت حفظ آبرو و ستر: ترمیم بکارت مانع وارد شدن لطمه به آبروی دختر و خانواده‌اش می‌شود و از رسوائی آنها جلوگیری می‌کند، ستر عورت مسلمان و حفظ آبروی او یکی از مقاصد شرع مقدس است که معصومین علیهم‌السلام بر آن تأکید دارند، در این راستا روایات بسیاری در حد استفاضه وارد شده است، از جمله «...عن علی(ع) قال: قال رسول الله(ص): للمسلم علی اخیه ثلاثون حقا لبراءة له منها إلا بالاداء او العفو: یغفر لته ویرحم عبرته ویستر عورته...» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۸، ۵۵۰) ترجمه: حضرت علی(ع) از رسول خدا(ص) نقل کرده که فرموده‌اند: هر مسلمانی بر برادر مسلمانش سی حق دارد که ذمه‌اش از آن بری نمی‌گردد مگر یا اینکه آن را ادا



نموده یا صاحب حق از آن عفو کند و آنها عبارتند: از لغزش او بگذرد، برای اشکش ترحم نماید(در وقت اندوه کمکش کند) و عیب او را بپوشاند... شیخ انصاری در کتاب مکاسب به این حدیث استناد کرده است. (انصاری، ۱۳۹۴، ج ۴، ۷۲ و ۷۳). «..عن ابی عبدالله(ع) فیما جاء فی الحدیث عورة المؤمن علی المؤمن حرام، قال: ما هو ان ینکشف فتری منه شیاً إنما هو ان تروی علیه او تعییبه» (کلینی، بی تا، ج ۴، ۶۳) ترجمه: روایت شده است که امام صادق(ع) درباره اینکه در حدیث آمده: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است، فرموده: این نیست که مؤمن برهنه شود و تو از او چیزی ببینی، همانا مقصود این است که به ضرر و علیه او چیزی نقل نکنید و عیبی به او نسبت ندهید. و «...عن ابی جعفر(ع) قال: ان من حق المؤمن علی اخیه المؤمن ان یشبع جوعته ویواری عورته..» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۸، ۵۴۳) یعنی از حق مؤمن بر مؤمن این است که گرسنگی او را بر آورد و عورت و عییش را بپوشاند. و از پیامبر(ص) روایت شده که فرموده اند: «لا تخرقن علی احدسترا» عیب کسی را افشا نکنید. (مشکینی، ۱۴۲۴، ۴۹۳) و در روایتی دیگر از پیامبر(ص) که فرموده اند: «لا یری مؤمن من اخیه عورة فیسترها علیه الا ادخله الله بها الجنة» (المنذری، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۴) یعنی: هر مومنی عیب و عورتی از برادر دینیش را ببیند و آن را بپوشاند خداوند متعال او را به بهشت می برد. نیز از رسول خدا(ص) روایت شده: «من ستر عورة فکانما استحیا مؤودة فی قبرها.» (همان، ۲۸۵) یعنی هر کس عیبی را بپوشاند گویا دختر زنده به گوری را زنده کرده است. مردی به نام هزال شاهد مردی به نام ماعز بود که زنا می کرد و آن را فاش کرد، رسول خدا(ص) به هزال فرموده بودند اگر با پیراهنت او را می پوشانید بهتر بود برایت «لوسترته بثوبک کان خیر الک» (همان). پس، از جنبه هایی که بیان شد ترمیم بهترین راه پوشاندن عیب است.

مصلحت پیشگیری از انحلال خانواده: ترمیم بکارت باعث پیشگیری از انحلال خانواده

دختری است که بکارتش ازدست داده است، زیرا در صورت عدم ترمیم، هنگام ازدواج چنین دختری مورد تهمت و افترا قرار می گیرد و مشکلات جدی برای خانواده اش بوجود می آید و منشأ شک و سستی روابط خانواده می شود و گاهی در بعضی مناطق منجر به درگیری میان خانواده عروس و داماد می شود. و معلوم است حفظ وحدت خانواده و گرم نگه داشتن کانون خانواده مورد تأکید شرع مقدس است.

مصلحت پیشگیری از بدگمانی

ترمیم بکارت در میان مردم ایجاد خوشبینی می‌کند و از بدگمانی در مورد دختری که بکارتش از دست داده است جلوگیری می‌کند. ترویج خوشبینی میان مردم و پیشگیری از بدگمانی یکی از مقاصد شرع مقدس است که خداوند متعال فرموده‌اند: «یاایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن إن بعض الظن إثم و لاتجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً.» (حجرات، ۱۲) ترجمه: ای مؤمنان از بسیاری گمان‌ها پرهیز کنید، زیرا پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و هرگز در کار پنهانی دیگران کنجکاو نکنید و غیبت یکدیگر را روا ندانید. و در آیه دیگر آمده است «لولا اذسمعتموه ظن المومنون و المؤمنات بأنفسهم خیراً و قالوا هذا أفک مبین» (نور، ۱۲) ترجمه: چرا هنگام شنیدن آن، مردان و زنان با ایمان گمان خیر به خود نبردند و نگفتند این یک دروغ آشکار است.

تحقق برابری و عدالت میان مرد و زن

مردی که مرتکب زنا می‌شود اثر و علامتی از آن در بدنش باقی نمی‌ماند و مورد شک و بدگمانی قرار نمی‌گیرد اگر عمل او دیده نشود، درحالی‌که اگر دختری مرتکب زنا شود یا تجاوز به او با عنف و اکراه شود اثرش باقی می‌ماند و هنگام ازدواج آشکار می‌گردد و مورد مؤاخذه جامعه و عرف قرار می‌گیرد، گرچه به نظر اسلام مجرد نداشتن پرده بکارت دلیل مرتکب شدن زنا نمی‌باشد، مادامی‌که چهار شاهد عادل و یا با اقرار زن ثابت نشود، اما در بسیاری از مناطق سنت‌های غلطی حاکم است و چنین دختری را بیش از آنچه که شرع برای دختر زناکار قرارداده است مجازات می‌کنند. بنابراین اگرچه نمی‌شود از این سنت‌ها جلوگیری کرد اما حداقل می‌توان اثری که اسلام آن را دلیل زنا نمی‌داند با ترمیم از بین برد.

مصلحت تأثیرات تربیتی

ترمیم بکارت دارای تأثیرات تربیتی مثبت بر جامعه و خود دختر است، اگر معصیت پوشیده شود ضررش کمتر و محدودتر می‌شود، اگر معصیت کار- مانند دختری که مرتکب زنا شده- توبه کند تأثیر معصیتش از بین می‌رود و به فردی از افراد صالح جامعه تبدیل می‌شود، اما اگر معصیت



افشا شود بر جامعه و دختر تأثیرات منفی می‌گذارد؛ زیرا هرچه معصیت تکرار شود قبحش از بین می‌رود و مردم در ارتکاب آن جری می‌شوند «معصیت اگر پنهان شود ضرری جز به صاحبش نمی‌رساند، اما اگر افشا و آشکارا گردد و مورد انکار قرار نگیرد به عموم مردم ضرر می‌رساند» (غزالی، ۱۹۳۹م، ج ۲، ۳۰۸) شاید این امر یکی از حکمت‌های تأکید شارع مقدس بر پوشاندن و پنهان کردن فاحشه و دفع تهمت با کوچکترین شبهه‌ای باشد، در بسیاری از روایات از افشای فحشا نهی شده و بر پوشاندن آن تأکید گردیده از این روایات: «...عن ابی عبدالله (ع) قال: قال رسول الله (ص): من اذاع فاحشه کان کمبتدیها...» (کلینی، بی‌تا، ج ۴، ۵۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۸، ۵۹۶) امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: هر که فحشا و کار زشتی را فاش کند چون کسی است که آن را انجام داده است.

سنجیدن مصلحت‌ها با مفسده‌های ترمیم

۱- در صورتی که ازاله بکارت به سبب افتادن، ورزش، تصادف و... که معصیت نیستند باشد و یا اینکه به سبب تجاوز به عنف و اکراه باشد، به نظر شرع مقدس و عرف مردم عیب نیست و پزشکی که آن را ترمیم کرده شوهر دختر را فریب نداده است؛ زیرا عیب یا در بدن است یا در اخلاق. و ازاله بکارت با اسبابی که ذکر شده عیب اخلاقی نیست، اما از لحاظ بدن تنها یک عیب سبک بدون اختیار و اراده دختر ایجاد شده و با عمل ترمیم حالت و خلقت اولش برگردانده شده و از افترا و توهمات بی‌مورد نسبت به دختر بی‌گناه پیشگیری کرده است، زیرا اگر ترمیم نمی‌شد دختر مورد تهمت و ظلم و ستم قرار می‌گرفت و اطرافیان دختر نیز در گناه و معصیت بدگمانی و تهمت می‌افتادند. بنابراین با توجه به مصلحت‌های ترمیم از جمله مصلحت حفظ آبروی دختر و خانواده‌اش، عمل ترمیم ضرورت پیدا می‌کند و به خاطر این ضرورت کشف عورت و نگاه به آن در اجرای عمل ترمیم جایز می‌گردد. و از جهتی دیگر فقها اتفاق نظر دارند بر این که نبودن صفت بکارت از عیوب فسخ عقد نکاح نمی‌باشد، در صورتی که شوهر آن را در عقد شرط نکند. با سنجیدن مصلحت‌ها و مفسده‌های ترمیم، معلوم می‌شود که غلبه در طرف مصلحت‌ها است که باعث شده‌اند ترمیم ضرورت پیدا کند و با حصول ظن غالب و قوی به مصلحت، می‌توان گفت



حفظ آبرو و پوشیدن دختری که به سبب اول و دوم بکارتش از دست داده است مستحب است، لذا ترمیم بکارت این صنف از دختران مستحب است و اگر قایل به استحباب نشویم حداقل جایز و مباح می‌باشد.

باید توجه داشت که گواهی دادن پزشک مبنی بر اینکه ازاله بکارت در اثر زنا نبوده کفایت نمی‌کند؛ زیرا شوهر و دیگران به آن قانع نمی‌شوند و بدگمانی و تهمت باقی خواهد ماند، بنابراین اگر گفته شود باگواهی دادن پزشک مشکل آبروی دختر و... برطرف می‌شود و نیازی به ترمیم نیست درست نیست.

۲- ترمیم بکارت زنی که به سبب عقد نکاح بکارتش از دست داده است، خواه بیوه و مطلقه باشد یا نباشد، فاقد هرگونه مصلحت و غرض عقلانی است و کاری بیهوده است. و از لحاظی دیگر مفاسدی بر آن مترتب می‌شود از جمله مفسده کشف عورت و نگاه به آن بدون ضرورت، لذا ترمیم بکارت چنین زنی حرام است.

۳- در صورتی که دختر با رضایت مرتکب زنا شود و عمل شنیع او میان مردم افشا و مشهور به زنا شود، ترمیم بکارتش فاقد هرگونه مصلحت است؛ زیرا مردم و کسی که بخواهد با او ازدواج کند از حال او باخبرند و حفظ آبرو و پوشاندن عیب مفهومی نخواهد داشت، درحالی که مفسده‌های ترمیم در آن وجود دارد از جمله مفسده اشاعه و توسعه فحشا و کشف عورت، بنابراین ترمیم بکارت این صنف از دختران حرام است.

۴- در صورتی که سبب ازاله بکارت مرتکب شدن زنا با رضایت باشد و بین مردم افشا نشود و مشهور به زنا نگردد، ترمیم بکارتش دارای مفاسدی است از جمله مفسده غش و فریب دادن شوهر آینده و مفسده کشف عورت و نگاه به آن، حتی اگر به خاطر مصلحت حفظ آبرو، کشف عورت که لازمه ترمیم است ضرورت پیدا کند، مفسده غش و فریب دادن شوهر باقی است؛ زیرا ارتکاب زنا یک عیب و نقص اخلاقی است و با ترمیم بکارت آن را از شوهر پنهان کرده‌اند و باعث فریب او شده است. بنابراین میان مصلحت‌ها و مفسده‌ها در این صورت تعارض به وجود می‌آید. و این سؤال پیش می‌آید که آیا مصلحت‌ها بر مفسده‌ها ترجیح دارند یا برعکس؟ باید گفت چنین دختری دو حالت دارد یا توبه کرده و اصلاح شده یا توبه نکرده است. درحالت اول (اصلاح شده) بنابر نظر



اهل تسنن که از بعضی از صحابه نقل نموده‌اند اگر برای دختر زناکاری خواستگاری آمد نباید موضوع را به خواستگار گفت، یعنی زناى قبلى دختر از شوهر آینده پنهان کرد، بنابراین ترمیم که یک نوع پنهان کاری است نسبت به این صنف از دختران جایز است. مالک (صاحب موطأ) از ابو زبیر مکی نقل کرده: «مردی از دیگری خواستگاری خواهرش کرد، برادر به خواستگار گفته بود خواهرش قبلاً زنا کرده، خبر آن به عمر بن الخطاب رسید، عمر برادر آن دختر را زد یا نزدیک بود بزند.» (الاندلسی، ۱۳۳۲، ج ۳، ۳۵۲؛ ابن حزم، بی تا، ج ۱۰، ۲۸۰) شعبی گفته مردی نزد عمر رفت و گفت: «ای امیرالمؤمنین، در دوران جاهلیت، دخترم را زنده به گور کردم، سپس او را از چاه بیرون آوردم و نجات دادم، سپس با ما مسلمان شد و دچار حدی از حدود خدا شد-یعنی زنا کرد-هنگامی که با او ناگهانی مواجه شدیم، چاقویی به دست گرفت و خود را زخمی کرد می‌خواست سر خود را ببرد، او رانجات دادم و معالجه کردم و بهبود یافت، او اصلاح شد، خواستگاری برایش آمده، آیا آنچه-زنا- که مرتکب شده به خواستگار بگوییم؟ عمر گفت: اگر آن را بگویند تو را مجازاتی می‌دهم که مردم در شهرها درباره آن صحبت کنند، همانند شوهر دادن یک دختر پاکدامن او را شوهر دهید.» (الصنعانی، ۱۹۷۲م، ج ۶، ۲۴۶ و ۲۴۷) در روایتی از پیامبر (ص) که به هزال شاهد زناى ماعز فرموده: «اگر او را با پیراهنت می‌پوشانید برای شما بهتر بود.» (المنذری، بی تا، ج ۴، ۲۸۵). بنابراین ترمیم بکارت این صنف از دختران جایز است. ولی مفسده فریب دادن شوهر باقی است و اقتضای عدم جواز ترمیم دارد. اما در حالت دوم یعنی توبه نکند و اصلاح نشود، به خاطر وجود مفسدی از جمله مفسده غش و فریب دادن ترمیم جایز نیست.

۵- وظیفه و تکلیف پزشک براساس موارد جواز و عدم جواز ترمیم در صورتهای مختلف که بیان شد می‌باشد. اما اگر پزشک به طور یقین و یا به ظن غالب از اسباب ازاله اطلاع پیدا نکند، بر او لازم نیست در مورد صدق و کذب ادعای دختر تحقیق کند و به ظاهر حال اکتفا می‌کند و ادعای دختر بر صحت حمل می‌کند و اصل برائت دختر از ارتکاب زنا است در صورتی که اماره و بینه‌ای برخلاف آن نباشد. اگر دختر ادعا کند که با اکراه و زور به او تجاوز شده باید ادعایش را پذیرفت. مرحوم خوئی فرموده: «اگر زن ادعا کند با اکراه با او زنا شده ادعایش پذیرفته می‌شود.» (موسوی خوئی، بی تا، ج ۱، ۱۷۱) در روایاتی آمده کاری که از مسلمان صادر می‌شود باید بر بهترین

وجه حمل کنید از جمله این روایات: «...قال امیرالمؤمنین (ع) فی کلام له: وضع امراخیک علی احسنه حتی یأتیک مایغلبک منه ولا تظنن بکلمة خرجت من اخیک سوءاوانت تجدلها فی الخیرمحملاً» (کلینی، بی تا، ج ۳، ۶۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۸، ۶۱۴) یعنی امیرالمؤمنین (ع) در ضمن سخنی فرمود: هرکاری که از برادر دینی خود سرزند آن را به بهترین وجه حمل کن، تا کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچگاه به سخنی که از برادرت بیرون آید گمان بد میر، در صورتیکه بر آن سخن محمل خوبی می یابند.

۶- پزشک موظف است به اینکه در مورد حاملگی دختر تحقیق کند و در صورتی که آزمایش حاملگی مثبت باشد باید در تمام موارد از عمل ترمیم خودداری کند.

۷- در صورتی که دختری بخواهد ازدواج کند و برای اخذ گواهی به پزشک مراجعه کند و پزشک متوجه شود که آن دختر قبلاً بکارتش را ترمیم کرده، حق افشا و اعلام کردن آن را ندارد. البته بعضی از پزشکان می گویند هر پزشکی نمی تواند بکارت ترمیم شده را تشخیص دهد، جز پزشکان پزشک قانونی.

۸- در بعضی مناطق که در اثر نداشتن پرده بکارت، جان دختر در خطر می باشد ترمیم بکارت واجب می شود.

نتایج بحث

- ۱- در صورتی که سبب ازاله بکارت تصادف، افتادن، ورزش و مانند این موارد که معصیت نیستند باشد، ترمیم جایز است.
- ۲- اگر سبب ازاله بکارت تجاوز به عنف و اکراه باشد، حکمش همانند حکم مورد قبلی است، یعنی ترمیم جایز است.
- ۳- در صورتی که سبب ازاله وطئ به عقد نکاح باشد، ترمیم حرام است زیرا فاقد هرگونه مصلحت و غرض عقلائی است، در عین حال دارای مفاسدی است از جمله مفسده کشف عورت.
- ۴- اگر سبب ازاله بکارت، ارتکاب زنا با رضایت باشد و دختر مشهور به زنا باشد، ترمیم حرام است؛ زیرا یک کار بیهوده و فاقد مصلحت و غرض عقلائی است.



- ۵- در صورتی که سبب ازاله بکارت ارتکاب زنا با رضایت باشد و دختر مشهور به زنا نباشد و دختر توبه نکند ترمیم جایز نیست، اما اگر توبه کند و اصلاح شود دو احتمال در آن است، بنا بر آنچه اهل تسنن از بعضی از صحابه نقل نموده‌اند ترمیم نسبت به این صنف از دختران جایز است، ولی مفسده فریب دادن شوهر که در آن وجود دارد اقتضای عدم جواز ترمیم دارد.
- ۶- تکلیف پزشک بر اساس احکام صورت‌های بیان شده است و اگر پزشک سبب ازاله بکارت را نداند، لازم است ادعای دختر را بپذیرد در صورتی که بینه‌ای بر خلاف آن نباشد. اما در مورد حاملگی باید آزمایش را انجام دهد و اگر نتیجه آزمایش مثبت باشد ترمیم جایز نیست.
- ۷- اگر پزشک، بکارت ترمیم شده دختری را که برای اخذ گواهی جهت ازدواج مراجعه کرده تشخیص دهد حق ندارد آن را اعلام کند.

فهرست منابع:

- ۱- ابن حزم الاندلسی، ابو محمد بن احمد، (بی تا)، **المحلی**، بیروت، منشورات المكتب التجاري للطباعة و النشر.
- ۲- الاندلسی، ابوالولید سلیمان بن خلف الباجی، (۱۳۳۲)، **المنتقى شرح الموطأ**، مصر، مطبعة السعادة.
- ۳- ابن عابدین، محمد امین، (۱۳۸۶)، **حاشیة رد المحتار علی الدر المختار**، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- ۴- ابن قدامه، موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد، (۱۹۸۳)، **المغنی**، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ۵- ابن قیم الجوزیة، شمس الدین محمد بن ابی بکر، (بی تا)، **زاد المعاد فی هدی خیر العباد**، مصر، مطبعة السنة المحدیة.
- ۶- الانصاری، مرتضی، (۱۳۹۴)، **المکاسب**، تحقیق و تعلیق سید محمد کلانتر، قم، دارالکتاب.
- ۷- الجبعی العاملی، زین الدین، (۱۳۹۶)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، تحقیق و تعلیق سید محمد کلانتر، قم، انتشارات و چاپخانه علمیه.
- ۸- الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۱)، **وسائل الشیعة**، تصحیح و تعلیق الشیخ عبدالرحیم الربانی الشیرازی، طهران، منشورات المكتبة الاسلامیة.
- ۹- حکیم، عبدالهادی محمد تقی، (۱۳۷۹)، **فقه برای غرب نشینان مطابق با فتاوی آیت الله سیستانی**، ترجمه سید ابراهیم سیدعلوی، قم، ناشر، دفتر آیت الله سیستانی.

- ۱۰- خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۵)، رساله اجوبه الاستفتاءات (ترجمه فارسی)، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۱- الزمخشری، جارالله محمود ابن عمر، (بی تا)، الکشاف، بی جا، منشورات البلاغه.
- ۱۲- سیستانی، علی، (۱۴۲۰)، منتخب توضیح المسائل، قم، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی.
- ۱۳- الشوکانی، محمد بن علی، (بی تا)، نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار، السعودية، نشر رئاسة إدارات البحوث العلمية وإفتاء والدعوة و الارشاد.
- ۱۴- الصنعانی، عبد الرزاق، المصنف، (۱۳۹۲)، بیروت، دارالفکر.
- ۱۵- الغزالی، ابوحامد محمد بن محمد، (۱۳۵۸)، إحياء علوم الدين، مصر، مطبعة مصطفى الباس الحلبي.
- ۱۶- القرطبي، محمد بن احمد، (۱۹۶۵)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- ۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، اصول کافی، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی، نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- ۱۸- المشکینی الارذبیلی، علی، (۱۴۲۴)، تحرير المواعظ العديدة، قم، انتشارات الهادی.
- ۱۹- المنذری، الحافظ ابو محمد، (بی تا)، الترغیب والترهیب، بیروت، دارالفکر.
- ۲۰- الموسوی الخمينی، روح الله، (بی تا)، تحرير الوسيلة، قم، انتشارات قدس محمدی.
- ۲۱- الموسوی الخوئی، ابوالقاسم، (بی تا)، مبانی تکملة المنهاج، نجف، مطبعة الاداب.

